

بررسی پرونده مادرانی که تحت تاثیر افسردگی بعد از

گهواره‌های خالی

حس مادرانه را کنار بگذاریم، مگر می‌شود نوزادی را کشت؟ متأسفانه در جواب باید گفت بله. گاهی بیماری روحی و روانی از انسان هیولایی می‌سازد که هر کاری از او بعید نیست. مانند مادرانی که تحت تاثیر افسردگی بعد از زایمان، فرزندان خود را به قتل می‌رسانند. تراژدی‌ای که تکرار می‌شود و تنها راه جلوگیری از آن، تشخیص و درمان سریع بیماری است.

مجید غمخوار

تپش

وقتی پای ارواح و اجنه وسط کشیده شد

آذر سال گذشته ماموران پلیس در جریان قتل کودک دوماهه‌ای قرار گرفتند. با حضور پلیس در محل جنایت، مرد جوان گفت دو ماه قبل همسرم فرزندان را به دنیا آورد اما بعد از آن عصبی بود. امروز که از سر کار آمدم دیدم کودکم فوت کرده و همسرم بالای سرش نشسته است.

با بررسی جسد مشخص شد نوزاد به علت اصابت جسم سخت به سرش فوت کرده‌است. به همین دلیل تحقیقات از مادرش آغاز شد. زن جوان در بازجویی‌ها ادعا کرد دزدان به خانه آمدند و بعد از کشتن فرزندم از محل فرار کردند.

بررسی پلیس نشان می‌داد این ادعا درست نیست، به همین دلیل بازهم از زن جوان بازجویی کردند اما او این بار ادعا کرد دزدان دیوار را خراب کرده و به داخل خانه آمده‌اند. با توجه به این‌که خانه سالم بود، باز هم بازجویی از مادر ادامه پیدا کرد تا این‌که او اعتراف کرد فرزند دوماهه‌اش را کشته است.

زن جوان در بازجویی‌ها گفت: از وقتی فرزندم به دنیا آمد زندگی‌ام مختل شد، نمی‌توانستم به کارهایم برسم، فکر می‌کردم بچه زندگی‌ام را خراب کرده و به همین دلیل تحملش را نداشتم. امروز هم بچه این قدر گریه کرد که اعصابم خرد شد و او را محکم به زمین کوبیدم که سرش با زمین برخورد کرد. بعد هم منتظر شدم تا دستگیر شوم.

پدر بچه هم به پلیس گفت: همسرم افسردگی بعد از زایمان گرفت و همیشه به من می‌گفت ارواح و اجنه دستور داده‌اند تا او من و بچه‌ام را بکشد. من هم نگران این رفتارش بودم اما دیگر دیر شده و او جان فرزندم را گرفت.

جنون جنایت بار

چهاردهم مرداد ۹۱ زن جوانی با اورژانس ۱۱۵ تماس گرفت و اعلام کرد حال روحی مساعدی ندارد و از مشاوران درخواست کمک کرد. با حضور تیم اورژانس اجتماعی در محل مشاهده شد زن ۲۸ ساله دو کودک چهار و یک‌ساله دارد و به دلیل افسردگی بعد از زایمان ممکن است بلایی سر کودکان بیاورد. به همین دلیل از مادر جوان اجازه خواستند او را به یک مرکز درمانی منتقل کنند و فرزندان را به خانه امن بهزیستی برونند تا روند درمان انجام شود.

ساعتی بعد پدر خانواده با بازگشت از سر کار با این موضوع مخالفت کرد و مدعی شد خودم همسرم را نزد روانپزشک می‌برم.

کارشناسان اورژانس برای پیگیری موضوع روز ۱۸ مرداد با مرد ۳۰ ساله تماس گرفتند اما او مدعی شد وقت دکتر دو هفته دیگر است.

روزها همین‌طور می‌گذشت تا این‌که روز ۲۳ مرداد مردی هراسان با پلیس تماس گرفت و از جنایتی هولناک در خانه‌اش خبر داد.

دقایقی بعد تیم جنایی وارد خانه‌ای در جنوب شهر شده و با جسد فاطمه چهارساله و محمدجواد یک‌ساله روبه‌رو شدند. پزشک قانونی اجساد را معاینه و اعلام کرد دو کودک به علت خفگی جان خود را از دست داده‌اند.

دقایقی بعد مادر خانواده به‌عنوان مظنون به قتل شناسایی و در محل دستگیر شد. زن جوان با اعتراف به قتل گفت: بعد از تولد محمدجواد دچار افسردگی بعد از زایمان شدم اما همسرم می‌گفت این قرتی بازی‌ها چیست و حالت خوب است. هیچ حسی به بچه‌ها نداشتم و متنفر بودم. هرچه به شوهرم گفتم قبول نکرد. خودم با ۱۲۳ تماس گرفتم، آمدند اما بازهم شوهرم نگذاشت درمان شوم.

امروز دیگر حالم خیلی خراب شد و نفهمیدم چه کار می‌کنم تا به خودم آمدم دیدم دو کودکم را خفه کرده‌ام. بعد از این جنایت، جنون مادر ناشی از افسردگی بعد از زایمان از سوی پزشکی قانونی تایید شد.



افسردگی زن ۲۸ ساله
بعد از دومین زایمانش
و بی توجهی به آن باعث
شد مادر جوان ۲ فرزند
خردسال خود را به قتل
برساند



خودکشی بعد از حمله به فرزند و شوهر

زندگی رومینا و ناصر خیلی خوب پیش می‌رفت تا این‌که سال ۹۰ جمع آنها با تولد فرزندشان سه‌نفره شد. بعد از زایمان اما رومینا تغییر کرده بود و هر روز بهانه می‌گرفت و افسرده بود. مرد جوان همسرش را چند باری نزد دکتر برد تا این‌که مشخص شد او افسردگی بعد از زایمان گرفته‌است. رومینا تحت نظر پزشک بود و قرص‌های آرامبخش برای او تجویز شد اما حال روحی زن جوان هر روز بدتر می‌شد. اواخر سال ۹۱ بود که زن جوان ابتدا به کودک یک‌ساله‌اش حمله کرد و بعد قصد داشت ناصر را در خواب به قتل برساند که او از خواب بیدار و با رومینا درگیر شد.

زن قوی‌هیکل ابتدا چند ضربه به مرد جوان زد و بعد هم چاقورا در شکم خودش فرو کرد. ناصر که دچار خونریزی شدید شده بود با پلیس و اورژانس تماس گرفت و درخواست کمک کرد. ساعتی بعد مرد جوان و کودک یک‌ساله از مرگ نجات یافتند اما رومینا جانش را از دست داد. رسیدگی به این پرونده تا سال گذشته ادامه داشت تا این‌که آخرین جلسه دادگاه برگزار شد. براساس رای پزشکی قانونی ضربه‌ها روی بدن پدر و کودک مشخص بود اما خانواده رومینا ادعا کردند دامادشان این بلا را سراو آورده‌است.

ناصر در جلسه دادگاه دفاع از خود گفت: همسرم بعد از تولد پسرمان دچار افسردگی شد. او حتی چندبار با قرص‌های آرامبخش خودکشی کرد که نتوانستیم نجاتش دهیم. همسرم رفتارش عوض شده بود و یک روز خوش نداشتم. روز حادثه او بعد از مجروح کردن ما، خودش را با چاقو زد و ما بی‌تقصیر هستیم. الان هم ناراحتم زیرا رومینا را دوست داشتم.

بعد از چند جلسه دادگاه و از آنجا که خانواده رومینا نتوانستند مراسم قسامه را برگزار کنند، دادگاه حکم به برائت مرد جوان داد.

قتل نوزاد یکروزه

روز جمعه ۱۸ تیر اهالی مجتمع مسکونی در جنوب شرق تهران با صدای عجیبی سراسیمه به خیابان آمدند و با جسد نوزادی در کنار پیاده‌رو، روبه‌رو شدند. دقایقی بعد با اعلام موضوع به پلیس، اهالی متوجه شدند همسایه طبقه چهارم تازه بچه‌دار شده‌است و به همین دلیل مقابل واحد او رفتند و سراغ نوزاد را از زن همسایه گرفتند که او با جیغ و فریاد گفت کودکش را از تراس به خیابان پرت کرده و یادش رفته این کار را کرده‌است.

با حضور تیم ویژه قتل در محل مشخص شد جسد متعلق به نوزاد دختر یکروزه‌است که به علت شدت ضربه برخورد با زمین جانش را از دست داده‌است.

عکس‌ها از بزرگداشت

